

سیمای امام کاظم 7 در منابع صوفیه

(بررسی تطور اخبار امام کاظم 7 در منابع صوفیه از آغاز تا پایان قرن نهم)

زهر/ مقدسی

چکیده

جریان تصوف، در ابتدا با زهدگرایی، توجه به آخرت و جدایی از زندگی دنیایی شکل گرفت و به مرور و در اواخر قرن سوم هجری، افکار و عقاید خویش را به صورت مدون عرضه نمود و به عنوان جریان اجتماعی وارد عرصه شد. این جریان در دوران حیات اجتماعی خود، در دوره‌هایی به مذهب تشیع نزدیک گردید و نماد این نزدیکی، مطرح شدن ائمه به عنوان اولیا و اقطاب صوفیان بود. این حرکت با استقبال دانشمندان شیعی مواجه شد؛ زیرا زمینه جذب آنان به مذهب تشیع از این دریچه فراهم می‌گشت و می‌توانست مبنا و محور مهمی برای وحدت به شمار آید. در این عرصه، متصوفه به امامان شیعه و از جمله امام کاظم 7، به عنوان نماد زهدگرایی توجه کردند و سخنان آنان در کتب صوفیه بازتاب یافت.

در این پژوهش، به این سؤال که امام کاظم 7 در چه زمانی وارد منابع صوفیه شد و تا پایان قرن نهم این حضور چه تطور و تغییراتی یافت؟ بررسی این حضور و تغییرات آن، در ۶۲ منبع متصوفه در دوره زمانی یادشده پی‌گیری شد و یاد از آن حضرت در این منابع، سه دوره را پشت سر نهاد: دوره اول، نامی از امام در منابع نبود؛ دوره دوم از نیمه قرن هفتم

به بعد از امام در برخی منابع در حد ذکر نام یاد می شود و دوره سوم، که از قرن هشتم آغاز می گردد که حضور و حیات امام در این دوره به صورت روشن و با عنوان های مستقل مشاهده می شود. تحولات در حوزه نوشتار، همه از تحولات اجتماعی و مذهبی جامعه متأثر بود که بر دیگر عرصه ها اثر می گذاشت. در پایان این نوشتار، برای نشان دادن جریان ها و دیدگاه های صوفیان درباره امام کاظم 7 به مقایسه تطبیقی دو کتاب صوفیانه قرن نهم، یعنی شواهد النبوه اثر خواجه محمد پارسا (م ۸۲۲ق) سنی غیرمتعصب و دوست دار اهل بیت : و از بزرگان طایفه نقشبندیه، و کتاب فصل الخطاب عبدالرحمان جامی (م ۸۹۸ق) از سرشناسان نقشبندیه، پرداخته ایم که هر دو کتاب زندگانی امام کاظم 7 را گزارش کرده اند.

واژگان کلیدی: امام کاظم 7، تصوف، منابع صوفی.

مقدمه

تصوف در ابتدای شکل گیری خود که تا نیمه دوم قرن سوم هجری ادامه یافت، توجه به زندگی دنیوی و تجمل پرستی را با حقیقت دین داری و خداپرستی مغایر می دانست و به رستگاری در آخرت و بهره مندی از نعمت های اخروی و به خصوص لقای خداوند در بهشت توجه نشان می داد؛ از این رو، متصوفان زهد و کناره گیری از اجتماع را برمی گزیدند. اما تصوف از قرن سوم به بعد، شکل خاصی به خود گرفت و صوفیان به صورت یک دسته متمایز ظاهر شدند که این دوره را دوره ترویج تصوف می توان نامید. آنان از همین دوران، به تدوین روی آوردند و اصول و قوانین تصوف به صورت منظم و مرتب درآمد و مشایخ به نوشتن رساله های کوتاه پرداختند. در این نوشتار، ۶۳ منبع از منابع صوفیه بررسی شده است تا به سیر تطور سیمای امام کاظم 7 در این منابع بپردازیم که تا پایان قرن نهم است. در ادامه، دو منبع مهم صوفیه مقایسه و بررسی می گردد.

متصوفه خود به مذهب تشیع معتقد نبودند؛ زیرا از دل تسنن؛ برخاستند اما به قدر و عظمت شأن امامان معترف بودند؛ از این رو، خود را به ائمه شیعه متصل کردند و آنان را از مؤسسان طریقت خویش دانستند.

در واقع زاهدان و صوفیان، زهد امامان را می‌ستودند؛ از این رو آنان را پیشوای زهد و طریقت خود قرار دادند و مبادی اخلاقی خود را از آن بزرگواران اقتباس کردند و اساس تصوف را در ابتدای تأسیس، بر همان مبادی بنا نهادند. این روش بدانجا منتهی شد که همه شئون تصوف را از طریق فرزندان امام علی ۷ به خود آن حضرت نسبت می‌دادند. البته این ارتباطی که در ابتدا در حد ذکر سخنان و اقوال امام در کنار سایر مشایخ صوفیه بود، درباره حضرت علی ۷ بسیار بیش‌تر از دیگر ائمه بود؛ هم‌چنان که در منابع از قرن چهارم به بعد، نام حضرت وجود دارد. در این نوشتار، منابع را معرفی خواهیم کرد.

ابن خلدون نیز تلاش صوفیه را در نزدیکی خود به علی بن ابی طالب ۷ در بحث خرقه‌پوشی بیان می‌کند و چنین می‌گوید:

علی ۷ به حسن بصری خرقه پوشانید و بدین طریق او را ملتزم به پیمودن طریقت کرد و جنید نیز از طریق شیوخ خود به ایشان متصل می‌شود.^۱

متصوفه به تدریج، خود را به دیگر ائمه نیز منتسب کردند؛ چنان که کلاباذی (م ۶۷۶ق) به بیان اقوال و احوالات امام زین‌العابدین ۷، امام باقر ۷ و امام صادق ۷ بعد از امامان علی و حسن و حسین ۷ می‌پردازد.^۲

در ابتدا منتسب کردن به ائمه، صرفاً در خرقه‌پوشی به دست آنان بود ولی به تدریج در موضوع هدایت شدن و راه‌یابی و آگاهی بر حقیقت، شریعت و طریقت نیز از طریق ائمه تأکید می‌شد. نمونه آن اسلام آوردن شقیق بلخی و توبه بشر

۱. نک: دیوان المبتدا و الخیر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، تحقیق خلیل شهاده، دارالفکر، دوم، ج ۱، ص ۴۰۳، ۴۰۸، ۱۴۰۸ق-۱۹۸۸م.

۲. نک: التعرف لمذهب التصوف، ص ۳۶، مکتبه الکلیات الازهریه، اول، ۱۳۸۹-۱۹۶۹م.

حافی به دست امام موسی بن جعفر 8 بود.

با بررسی منابعی که ذکر می‌کنیم، چنین به دست آمد که امام کاظم 7 از قرن هفتم به بعد وارد منابع صوفیه می‌شوند و متصوفه در این قرن، تنها به بیان سخنان امام در کنار سایر متصوفه نخستین بسنده می‌کنند. اما آن حضرت از قرن هشتم به بعد، در منابع صوفی، با یک عنوان مستقل معرفی می‌شوند.

بنابراین صوفیه برای اثبات اتصال بین خود و تشیع می‌کوشیدند که نمونه آن در بیان ارتباط با امام کاظم 7 نمایان است. این تلاش، در زمینه‌ها و بسترهای مناسبی میسر می‌گشت که برای شیعیان فراهم شده بود؛ مانند شناخته شدن شخصیت امام به عنوان نمونه زهد و یا مطرح شدن شیعه اثنا عشری در قرون خاص همانند دوران مغول به ویژه در دوران غازان خان (ح ۶۹۴-۷۰۳ق) و اولجایتو (ح ۷۰۳ - ۷۱۶ق) که شیعه دوازده امامی از نفوذ عظیم برخوردار شده بود. در این احوال، متصوفه خود را به شیعیان نزدیک‌تر ساختند و امام علی 7 را پیشرو همه اقسام معرفت شمردند.^۱ چنین رفتاری به سود آنان بود و مقاصد ظاهری و باطنی آنان را تأمین می‌کرد.

البته از دلایل دیگر آن می‌توان به تلاش برخی از علمای تشیع در نزدیک کردن این دو مشرب دانست؛ هم‌چنان که میثم بحرانی (م ۶۷۹ق) در این باره پیش قدم شد و نخستین سنگ بنای آن را استوار کرد و در شرح نهج البلاغه، به سخنان امام رنگ صوفیانه داد. لذا قاضی نورالله شوشتری، شرح نهج البلاغه میثم را بر حکمت و کلام و تصوف مشتمل دانسته است.^۲ سبط ابن جوزی (م ۶۴۵ق)، از شخصیت‌های شاخص اهل سنت نیز در این مسیر قدم برداشت؛ چنان‌که در تذکره الخواص، ائمه را با عناوین مستقل معرفی کرده و گویا به سبب چنین نوشتاری، برخی وی را شیعه دانسته‌اند.

۱. داوود الهامی، موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، ص ۷۸، مکتب اسلام، قم: ۱۳۷۸ ش.

۲. مجالس المومنین، ص ۳۲۳۹، کتاب فروشی اسلامیة، تهران: ۱۳۵۴ ش.

مقاله حاضر از نظر زمانی، محدود و تا قرن نهم است؛ زیرا با روی کار آمدن صفویان که به تصوف و صوفیه تمایل داشتند و از طرفی منتسب کردن جد این سلسله (صفی‌الدین اردبیلی) به امام کاظم 7 و بیان سید بودن آنان، باعث شد در این قرون، به صوفیه و مخصوصاً امام کاظم 7 در منابع آن‌ها، توجه بسیاری گردد؛ به همین دلیل، بیش‌تر به منابع قبل از صوفیه پرداختیم تا ریشه انتساب متصوفه به آن حضرت بررسی گردد که آیا از ابتدا انتساب به امام کاظم 7 وجود داشته است؟

سیر تطور سیمای امام کاظم 7 در منابع صوفیه

با بررسی‌های انجام شده در تعدادی از منابع صوفی از آغاز تا پایان قرن نهم، روشن می‌شود که نام برخی از ائمه در منابع اولیه تصوف نبوده و به تدریج به دلایل مختلف وارد منابع شده است. به طور کلی، راه‌یابی نام امام کاظم 7 را در سه محور می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

محور اول

در محور اول از منابعی یاد می‌شود که از امام کاظم 7 یادی نکرده‌اند. محدوده زمانی این محور از آغاز نگارش و پیدایش کتاب‌های صوفیانه تا پایان قرن ششم است. غفلت از نام امام تا پایان قرن ششم در منابع صوفیه ادامه داشته است. البته این غفلت در برخی از منابع قرن هفتم، هشتم و نهم نیز ادامه یافت. منابعی که در ادامه ذکر می‌شود، از منابع نخستین صوفیه‌اند که هیچ‌یادی از امام کاظم 7 نکرده‌اند و تنها از امام علی 7 و برخی ائمه دیگر به صورت گذرا که گاه در حد ذکر نام و یا بیان اقوال آنان در کنار سایر مشایخ خویش است، بسنده کرده‌اند. اللمع، حلیه‌الاولیاء و تذکره‌الاولیاء هر چند از جمله کتاب‌های مربوط به محور اول به شمار می‌آیند، شرح حال برخی ائمه را با عناوین مستقلاً درج

کرده‌اند که به این موارد، ذیل هر کتاب اشاره می‌شود.

قرن چهارم

منابع این قرن به ترتیب عبارتند از:

۱. التعرف لمذهب اهل التصوف / ابوبکر محمد الکلاباذی (م ۳۸۰ق)؛
۲. قوت القلوب فی معالجه المحبوب / ابوطالب مکی (م ۳۸۶ق)؛

قرن پنجم

۳. تهذیب الاسرار / عبدالملک بن محمد بن ابراهیم نیشابوری خرکوشی (م ۴۰۷ق)؛

(وی تنها به یادی از امام علی 7 اکتفا کرده است.)

۴. المقدمه فی التصوف و حقیقه / ابو عبدالرحمان سلمی (م ۴۱۲ق)؛

(از سه امام یاد کرده است: علی بن ابی طالب 7، محمد بن علی الباقر 7 و

جعفر بن محمد الصادق 7)

۵. تاریخ الصوفیه / ابو عبدالرحمان سلمی (م ۴۱۲ق)؛

۶. طبقات الصوفیه / ابو عبدالرحمان سلمی (م ۴۱۲ق)؛

(از سه امام یاد کرده: جعفر بن محمد الصادق 7، علی بن ابی طالب 7، و نیز

به اسلام آوردن معروف کرخی به دست علی بن موسی الرضا 7 اشاره کرده است)

۷. حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء / ابونعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی

(م ۴۳۰ق)؛

(شرح حال پنج امام را آورده است: علی بن ابی طالب 7، حسن بن علی 7،

زین العابدین علی بن الحسین 7، محمد بن علی الباقر 7، جعفر بن محمد

الصادق 7)

۸. شرح التعرف لمذهب التصوف / ابوابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری (م ۴۳۴ق)؛
(از چهار امام یاد کرده است: امام علی ۷، امام حسن ۷، امام حسین ۷، امام سجاد ۷، امام باقر ۷ و امام صادق ۷)
۹. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی السعید / محمد بن منور بن ابی سعد بن ابی سعید میهنی (م ۴۴۰)؛
(در اشاره به خرقه پوشی معروف کرخی از دست امام صادق ۷، ائمه را تک تک نام می برد تا پیامبر ۹، و آنها را در یک سلسله بیان می کند. وی در بیان سلسله خرقه پوشی ابوالعباس قصاب، نهایتاً به دست امام علی ۷ و پیامبر ۹ می رسد)
۱۰. کشف المحجوب / علی بن عثمان هجویری (م ۴۶۵)؛
(از شش امام یاد کرده است: ابوالحسن علی بن ابی طالب ۷، امام حسن ۷، امام حسین ۷، امام سجاد ۷، امام باقر ۷ و امام صادق ۷)
۱۱. الرسالة القشیریه / ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن القشیری (م ۴۷۵ق)؛
(سه امام را ذکر کرده است: امام علی ۷، علی بن الحسین ۷ و امام صادق ۷ وی به اسلام آوردن معروف کرخی به دست علی بن موسی الرضا ۷ اشاره می کند)
۱۲. منازل السائین / خواجه عبدالله انصاری هروی (م ۴۸۱ق)؛
۱۳. صد میدان / خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق)
۱۴. طبقات الصوفیه / خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق)؛
(سخنان امام علی بن ابی طالب ۷، را در کنار سایر مشایخ بیان می کند. وی به اسلام آوردن معروف کرخی به دست علی بن موسی الرضا ۷ اشاره دارد)
۱۵. اللمع فی التصوف / ابونصر سراج (م قرن چهارم)؛
(امام علی ۷ را با عنوان مستقلی معرفی کرده است.)

۱۶. نورالعلم/ شیخ ابوالحسن خرقانی (اواخر قرن چهارم اوایل قرن پنجم)؛
(سخنان امیرالمؤمنین علی 7 را در کنار سایر مشایخ صوفیه آورده است)

قرن ششم

۱۷. احیاء العلوم الدین / ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ق)؛

(از پنج امام یاد کرده که گاه به ذکر نام و گاه به برخی سخنان ایشان اکتفا کرده است: علی ابن ابی طالب 7، حسن بن علی 7، حسین بن علی 7، محمد بن علی 7، جعفر بن محمد الصادق 7)

۱۸. کیمیای سعادت/ غزالی (م ۵۰۵ق)؛

(از پنج امام یاد کرده است: علی بن ابی طالب 7، امام حسن 7، امام حسین 7، علی بن الحسین 7، علی بن موسی الرضا 7)

۱۹. مناقب الابرار و محاسن الاخیار/ حسین بن نصر بن خمیس (م ۵۵۲ق)؛

(به چهار امام اشاره کرده است: علی بن ابی طالب 7، حسن بن علی 7، حسین بن علی 7، جعفر بن محمد الصادق 7. وی اسلام آوردن معروف کرخی را به دست امام رضا 7 می داند)

۲۰. روح الارواح فی شرح اسماء الملک المفتاح / احمد سمعانی (م ۵۳۴ق)؛

(پنج امام را نام برده است: امام علی 7، امام حسن 7، امام حسین 7، امام سجاد 7 و امام صادق 7)

۲۱. مناقب الصوفیه/ منصور بن اردشیر عبادی مروزی (م ۵۴۷ق)؛

(سه امام را یاد کرده است: امام علی 7، امام حسن 7 و امام صادق 7)

۲۲. گزیده در اخلاق و تصوف/ طاهر بن محمد خانقاهی (اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم)؛

قرن هفتم

۲۳. فتوحات مکیه/ شیخ اکبر محیی الدین بن عربی (م ۶۳۸ق)؛

- (از امام علی ۷ یاد کرده است)
۲۴. فصوص الحکم / ابن عربی (م ۶۳۸ق)؛
(از دو امام یاد کرده است: امام علی ۷ و امام صادق ۷)
۲۵. مرصاد العباد / نجم الدین دایه رازی (م ۶۵۴ق)؛
(به امام علی ۷ اشاره کرده است)
۲۶. لمعات / فخرالدین عراقی (م ۶۸۸ق)؛
(به امام علی ۷ اشاره دارد)
۲۷. عوارف المعارف / شیخ شهاب‌الدین سهروردی (م ۶۳۲ق)؛
(از سه امام را یاد کرده است: امام علی ۷، حسن بن علی ۷ و امام محمد باقر ۷)
۲۸. منهاج السالکین و معراج الطالبین / شیخ نجم‌الدین کبری (م قرن هفتم)؛
۲۹. آداب الصوفیه / نجم‌الدین کبری؛
۳۰. تذکره الاولیاء / شیخ فرید الدین عطار نیشابوری (م قرن هفتم)؛
(چهار امام را با عنوان مستقلی معرفی کرده است: امام صادق ۷، امام باقر ۷، حضرت علی ۷، امام رضا ۷)
۳۱. آداب المریدین / ضیاء الدین ابونجیب سهروردی (م اواسط قرن هفتم)؛
(به سه امام اشاره کرده است: امام علی ۷، امام حسین بن علی ۷، امام جعفر صادق ۷)
۳۲. عبهرالعاشقین / شیخ روزبهان بقلی شیرازی (م ۶۰۶ق)؛
(از علی بن ابی‌طالب ۷ نام برده است)
۳۳. مناقب / اوحدالدین حامد بن ابی‌الفخر کرمانی (نیمه دوم قرن هفتم)؛
۳۴. فیه ما فیه / مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (م ۶۷۲)؛
(از سه امام یاد کرده است: علی بن ابی‌طالب ۷، حسن بن علی ۷ و حسین بن علی ۷)

۳۵. المصباح فی التصوف / سعدالدین حمویه (م ۶۵۰ق)؛
۳۶. نفحه الروح و تحفه الفتوح / مؤید الدین بن محمود جندی (قرن هفتم)؛
(از امام علی 7 یاد کرده است)
۳۷. کشف الحقائق / شیخ عبدالعزیز بن محمد نسفی (قرن هفتم)؛
۳۸. الانسان الکامل / نسفی؛
۳۹. منابع السیفیه / ابوالحقائق محمد بن احمد جوینی (قرن هفتم)؛
(از امام علی 7 یاد کرده است)

قرن هشتم

۴۰. کاشف الاسرار / نورالدین عبدالرحمان اسفراینی (م ۷۱۷ق)؛
(از امام علی بن ابیطالب 7 یاد کرده است)
۴۱. مناقب العارفين / احمد افلاکی عارفی (م ۷۶۱ق)؛
(امام علی 7، امام حسن 7، امام حسین 7 و امام صادق 7)
۴۲. تحفه الاخوان فی خصائص الفتيان / عبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۶ق)؛
(امام علی 7، امام حسن 7، امام حسین 7، امام علی بن حسین 7، امام رضا 7)
۴۳. مجمع البحرين / ابراهیم ابرقوهی (قرن هشتم)؛
(امام علی 7، امام حسین 7، امام جعفر صادق 7)
۴۴. دستور الجمهور فی مناقب سلطان العارفين ابویزید طیفور / احمد بن حسین بن
شیخ خرقانی (قرن هشتم)؛
(امام علی 7، امام حسین 7 و امام صادق 7)
۴۵. انیس الطالبین و عده السالکین / صلاح الدین بن مبارک (م ۷۹۳ق)؛
(امام علی 7، امام حسین 7، امام زین العابدین 7، امام باقر 7، امام صادق 7)

۴۶. روض الرياحين في حكايات الصالحين / عبدالله بن اسعد يافعي (م ۷۶۸ق)؛

(امام علی ۷، امام باقر ۷)

۴۷. انيس الطالبين و عده السالكين / صلاح بن مبارک بخاری (م ۷۹۳ق)؛

(امام صادق ۷، امام حسين ۷، امام باقر ۷، امام زين العابدين ۷ و امام

علی ۷)

۴۸. سلك السلوك / ضياء الیدن نخشی (قرن هشتم)؛

(امام علی ۷، امام صادق ۷، امام حسن ۷، امام حسين ۷، امام علی بن

حسين ۷)

قرن نهم

۴۹. نفحات الانس من حضرات القدس / نورالدين عبدالرحمان جامی (م قرن نهم)؛

(امام علی ۷، امام حسن ۷، امام حسين ۷ و امام صادق ۷ وی در بیان

سلسله شیوخ به امام حسن ۷ و امام علی ۷ و در نهایت به احمد مختار می

رسد. نیز به مسلمان شدن معروف کرخی به دست امام رضا ۷ اشاره کرده است)

۵۰. معدن الدرر (سیرت نامه حاجی ناصرالدين عمر مرشدی) / محمد عمر

مرشدی (تألیف ۱۸۶۹ق)؛

(امام علی ۷ و امام رضا ۷)

۵۱. شرح فصوص الحکم / تاج الدین حسین بن حسن خوارزمی (م ۱۳۵-۱۳۸)؛

(امام صادق ۷ و امام علی ۷)

۵۲. ذخیره الملوک / میرسیدعلی همدانی (م ۱۸۰۰)؛

(امام صادق ۷، امام حسن ۷، امام حسين ۷ و امام زين العابدين ۷)

۵۳. رساله نفس شناسی / سید محمد نوربخش (م ۱۸۶۹ق)؛

۵۴. رسائل جناب شاه نعمت الله ولی کرمانی / به کوشش جواد نوربخش

کرمانی (م ۱۳۴ق)؛

(امام صادق 7، امام حسین 7 و امام علی 7)
۵۵. تسنیم المقربین/ شمس الدین محمد تبادکانی طوسی (م ۸۹۱ق)؛
(امام صادق 7 و امام علی 7)

محور دوم

در مرحله دوم، به تدریج نام امام کاظم 7 وارد منابع می شود. آغاز یاد از امام در منابع صوفیانه از قرن هفتم است. سه منبع، گزارش‌هایی از امام، در موضوع سلسله نسب و یا بیان مشایخ در خرقه‌پوشی را منعکس کرده‌اند که در ادامه به چگونگی آن می‌پردازیم:

قرن هفتم

۵۶. اوراد الاحباب و فصوص الاداب / ابوالمفاخر یحیی باخزری (م نیمه اول قرن هفتم)؛

(از سه امام یاد کرده است: امام علی 7، امام حسن 7 و امام صادق 7 و در مقدمه کتاب، در بیان خرقه‌پوشی مشایخ خود نهایت به علی بن موسی الرضا 7 و بعد موسی‌الکاظم 7 می‌رسد و به ترتیب ائمه را نام می‌برد تا به پیامبر 9 می‌رساند)

۵۷. مکاشفات صوفیان (شطیحات) / شیخ روزبهان بقلی شیرازی (۶۰۶ق)؛
(از پنج امام را یاد کرده است: امام علی 7، امام حسن 7، امام حسین 7، امام باقر 7 و امام صادق 7)

ابوتراب نخشی از صوفیان خراسان در قرن سوم است که بعضی نسبت او را از طریق شقیق بلخی به امام کاظم 7 دانسته‌اند.

۵۸. مشارق الداری شرح تائیه ابن فارض / سعیدالدین سعید فرغانی (م ۶۹۹)؛
(از شش امام یاد کرده است: امام علی 7، امام حسن 7، امام حسین 7، امام

زین العابدین 7، امام باقر 7 و امام صادق 7)
نویسنده در بیان سلسله خرقه‌پوشی از امام علی 7 تا امام رضا 7 را نام
می‌برد.

محور سوم

در این محور که از قرن هشتم آغاز می‌شود، شرح حال امام به صورت
مستقل می‌آید. سه منبع، (یک منبع در قرن هشتم و دو منبع در قرن نهم)، امام را
با عنوان مستقل معرفی کرده‌اند که در برخی موارد، اسلام آوردن و یا توبه کردن
متصوفه هم‌عصر امام را به دست ایشان دانسته‌اند همانند اسلام آوردن شقیق بلخی
و توبه بشر حافی.

قرن هشتم

۵۹. مراد المریدین / یوسف بن ابراهیم بن سعد الدین حمویه (نیمه اول قرن
هشتم)؛

(امام علی 7، امام حسین 7، امام زین العابدین 7 و امام صادق 7، وی در
بیان سلسله خرقه‌پوشی معروف کرخی، از امام رضا 7 آغاز می‌کند و ائمه را
چنین نام می‌برد. امام موسی الکاظم 7، امام جعفر صادق 7، امام محمد باقر،
امام زین العابدین، امام علی 7 و امام حسین 7، امام حسن 7 و او از دست امام
علی بن ابی طالب 7).

کتاب نفائس الفنون فی عرایس العیون اثر شمس الدین محمد بن محمود آملی (م
قرن هشتم) نیز از جمله کتبی است که به متصوفه پرداخته، اما در آن مطالب
جامعی در علوم مختلف ادبی، عرفانی، ریاضی، موسیقی و... جمع‌آوری شده که
شرحی در موضوعات مختلف است و تنها به متصوفه اختصاص ندارد. هم‌چنین
نویسنده آن شیعی بوده و اطلاعات کمی در مورد امام موسی کاظم 7 داده است.

قرن نهم

۶۰. شواهد النبوه/ نور الدین عبدالرحمن جامی (م قرن نهم)؛
(با تیترا مستقل به امام کاظم 7 پرداخته و ماجرای ملاقات شقیق بلخی با امام
را بیان می کند)
۶۱. فصل الخطاب/ خواجه محمد پارسا (م ۸۳۴ق).
(امام کاظم 7 با تیترا مستقل معرفی شده است)
برای بررسی بخش امام کاظم 7 در دو کتاب شواهد النبوه و فصل الخطاب،
ابتدا نویسندگان آنها معرفی می گردند:

خواجه محمد پارسا و عبدالرحمان جامی

محمدبن محمدبن محمود بخاری^۱ مشهور به خواجه پارسا که در آغاز کتاب
قدسیه در معرفی خود می گوید: «...و بنده ضعیف محمد بن محمد الحافظی
البخاری...»^۲ در سال ۷۴۹ قمری در بخارا به دنیا آمد و در سال ۸۲۲ قمری در
سفر حج درگذشت و در قبرستان بقیع مدفون شد. او از بزرگان طایفه نقشبندیه^۳
و یکی از دو جانشین خواجه بهاءالدین نقشبند بود که در نوشته های نقشبندیه، از
کرامات و عظمت خواجه محمد و گسترش طریقه او بسیار گفته اند.
نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ق) از بزرگترین عرفا و ادبای قرن
نهم هجری^۴ و از جمله شارحان عرفان تئوریک ابن عربی (م. ۶۳۸) و از

۱. فصل الخطاب، تصحیح و تعلیقات جلیل مسگرنژاد، ص ۱، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲. قدسیه (کلمات بهاء الدین نقشبند)، مقدمه و تصحیح و تعلیق احمد طاهری عراقی، ص ۲، کتابخانه
طهوری، ۱۳۵۴.

۳. نقشبندیه نام یکی از سلسله های صوفیه است که منسوب و پیرو خواجه محمد بهاء الدین نقشبندند.
خواجه بهاء الدین محمد بن محمد بخاری (م. ۷۹۱)، از بزرگان صوفیه در قرن هشتم و مؤسس این طریقه
است. خواجه علاء الدین و خواجه محمد پارسا از مریدان اویند.

۴. شواهد النبوه، مصحح حسن امین، ص ۱۷، تهران: میرکسری، اول، ۱۳۷۹ ش.

سرشناسان طریقت نقشبندیه به شمار می‌آید که در همه زمینه‌های فرهنگی اعم از ادبیات فارسی و عربی، تاریخ و رجال صاحب اثر و نظر است.^۱ او شیخ‌الاسلام دولت تیموری هرات بود.^۲ در عصر جامی تشیع رونق گرفت، به گونه‌ای که نویسندگان سنی مذهب نیز در آثار خود از ائمه یاد کردند و عنوانی را به ایشان اختصاص دادند. نظریه‌ای که در این عصر برخی نویسندگان سنی با مسلک عرفانی دنبال کردند، این بود که نه سنی هستند و نه شیعه و هم سنی هستند و هم شیعه؛ بدین معنا که خواستار جمع میان این مذاهب بودند و در کنار پذیرش خلفای نخست و صحابه کرام، به امامان شیعه نیز احترام گزارده، و ایشان را صاحبان کرامت و خوارق عادات می‌دانستند. جامی نیز از این دست نویسندگان بود. او ارادت خاصی به خواجه محمد پارسا داشت.^۳

محتوای دو کتاب

فصل الخطاب، نوشته‌هایی است در علم تصوف و دقایق طریقه نقشبندیه که متن آن به فارسی و عربی نگارش یافته و در آن، عقاید مشترک شریعت و طریقت بیان شده است. خواجه در این کتاب، با علم به قدرت و نفوذ شیعه در منطقه خراسان که در آن عصر دیگر به عنوان یک اقلیت محسوب نمی‌شد، بلکه از لحاظ اجتماعی قدرت یافته بود، به بحث درباره مسائل و ادعاهای شیعه درباره ولایت و اهل بیت : و مسأله غیبت پرداخته است. خواجه پارسا با توجه به نام کتاب، می‌خواهد در این کتاب مسائل اصلی مورد اختلاف میان فرق عامه از یک

۱. کتاب‌های وی را بنگرید در هدیه العارفين في أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، ج ۱، ص ۵۴۳، اسماعیل باشا بغدادی، مطبعة البهية، استانبول، ۱۹۵۱م.

۲. شواهد النبوه، ص ۱۸.

۳. نفحات الانس من حضرات القدس، ص ۳۹۷ و ۸۲۷، تصحيح و تعليقات دکتر عابدی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ش.

سو و عامه با خاصه از دیگر سو را با بهره‌گیری از معتبرترین اسناد و کتب (که اغلب کتب عامه است) فیصله دهد.^۱ در این کتاب، علاوه بر احادیث و آثار و شرح مقامات و طبقات صوفیه، بر احوال بسیاری از بزرگان و اولیا می‌توان دست یافت. هم‌چنین شرح حال خلفای راشدین و صحابه پیامبر و شیوخ اهل سنت در این کتاب آمده است. خواجه پارسا در این کتاب بخشی را نیز به شرح زندگانی ائمه بر اساس منابع اهل سنت اختصاص داده است. خواندمیر درباره فصل الخطاب می‌نویسد:

در فصل الخطاب بسیاری از مناقب و مفاخر ائمه اثنا عشر اندراج یافته، اما چون سخنانی که مخالف مذهب شیعه است نیز در فصل الخطاب مکتوب گشته، علمای شیعه آن کتاب را منظور نظر التفات نکرده‌اند.^۲

جامی شواهد النبوه را که نام کامل آن شواهد النبوه لتقویة یقین اهل الفتوة است. به درخواست امیرعلی شیر نوائی وزیر بزرگ سلطان حسین بایقرا نگاشته است. این کتاب به زبان فارسی تدوین شده و چنان که از نامش پیداست، در صدد اثبات نبوت رسول خدا ۹ و ارائه شواهد بر آن است. جامی شواهدی که بر نبوت رسول خدا ۹ بوده از قبل از ولادت آن حضرت تا بعد از رحلت را گرد آورده و طبقه‌بندی نموده است. او پس از ذکر کرامات و معجزات رسول خدا ۹ به کرامات سه خلیفه نخست پرداخته و در ادامه، کرامات دوازده امام را آورده که امام علی 7 اولین ایشان است.^۳ کرامات دیگر اصحاب و تابعیان نیز در پی آمده است. جامی کرامات ائمه را بر کرامات صحابه و تابعان مقدم کرده، هر چند ائمه پس از امام حسین 7 در شمار صحابه نبوده‌اند. کتاب شواهد النبوه را باید ترکیبی میان دلائل النبوه‌ها و دلائل الامامه‌ها دانست.

۱. فصل الخطاب، ص ۳۴.

۲. حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، ج ۴، ص ۵، کتاب فروشی خیام، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.

۳. شواهد النبوه، ص ۱.

جامی ساختار کتاب را بر اساس مذهب خویش، سنی مسلک، نگاشته است؛ بدین معنا که پیش از اذکر کرامات دوازده امام، به کرامات خلفای سه گانه توجه نموده و سپس همان کراماتی را که شیعیان در مورد ائمه نقل می‌کنند، آورده است.

مقایسه روایات امام کاظم 7 در دو کتاب

گونه‌های روایت دو کتاب، در محورهای ذیل بررسی و مقایسه می‌شود:

الف) ساختار کلی روایات

ساختار کلی روایات در شواهدالنبوه ذکر کلیاتی به اختصار از امام کاظم 7 و سپس بیان کرامات و خوارق عادات امام است. جامی از آوردن اسناد پرهیز می‌کند و گاه در میان متن‌های فارسی، عبارات عربی را نیز نقل می‌نماید. که این مورد اندک است؛ در حالی که شیوه خواجه محمد پارسا با جامی تفاوت دارد. وی اطلاعات شخصی امام مانند زمان تولد، وفات و فرزندان را شمارش کرده، سپس به شمه‌ای از مناقب امام می‌پردازد. نقش و اثری از ایشان در حوادث تاریخی پی‌گیر نمی‌شود. و در بیان بندها و متن‌هایی که در زندگی امام انتخاب می‌کند، از خود چیزی نمی‌گوید بلکه بریده‌هایی از دیگر کتب است. هم‌چنین در بیان مطالب امام کاظم 7 منابع مورد استناد را بیان نمی‌کند.

ب) منابع دو کتاب

خواجه محمد، در تدوین روایات مربوط به امام کاظم 7 عیناً از منابعی که در اختیار داشته، نقل می‌کند و در کنار هم می‌چیند و کم‌تر به اظهار نظر درباره گزارش‌ها می‌پردازد. با بررسی روایات در منابع دیگر، چنین برداشت می‌شود که وی روایات مربوط به امام را از منابع غیرشیعی مانند المنتظم ابن جوزی (۶۴۵ق)،

مرآة الجنان یافعی و... برداشت کرده است. اما جامی با این که در شواهد النبوه، منابعی که از آنان یاد کرده، از اهل سنت است، در بخش زندگانی و نقل کرامات امام احتمالاً از کتب نویسندگان شیعی مانند کشف الغممه اربلی (م ۶۹۲ق) و اعلام الوری طبرسی (م ۵۴۸ق) نیز بهره برده؛ زیرا مطالب نقل شده در این کتاب، مشابه همان کراماتی است که در این منابع، آمده است. گویا جامی به هیچ عنوان نمی‌خواسته استفاده خویش از منابع شیعی را آشکار کند تا در موضع اتهام قرار گیرد.

ج) معرفی امام

خواجه محمد بدون اشاره به زمان و مکان ولادت امام، با دادن لقب کاظم 7 ایشان را موسی‌الکاظم بن جعفر الصادق 7 با دو کنیه ابوالحسن و ابوالبراهیم از ائمه اثنا عشر امامیه می‌داند. وی در دو جا از پدر امام نام می‌برد: ابتدا در ذکر نام امام کاظم 7 و دیگری در بیان سخنی از امام صادق 7 که به برتری امام کاظم 7 بر سایر فرزندان خود اشاره می‌کنند. او مادر حضرت را نیز گاه با صفت جاریه و گاه ام‌ولد، حمیده خطاب می‌کند. سپس بدون ذکر نام همسران، تنها در یک مورد به ام‌ولد بودن مادر تعدادی از فرزندان اشاره می‌نماید و در نهایت تعداد فرزندان را ۳۷ دختر و ۲۲ پسر غیر از اطفاله و جمع کل آن‌ها را ۵۹ فرزند می‌داند. در بین فرزندان از دو دختر امام، آمنه و فاطمه نام می‌برد که مزارشان در مصر و قم است و با بیان حدیثی در ثواب زیارت حضرت فاطمه 3 از قول امام رضا 7، او را بر دیگران برتری می‌دهد.

جامی ولادت امام را سال ۱۲۸قمری در ابواء میان مکه و مدینه می‌داند. وی لقب کاظم را به علت حلم و بردباری بسیار ایشان دانسته، با اشاره به فراوانی کنیه‌های امام، به دو کنیه ابوالحسن و ابوالبراهیم اشاره و امام را با نام موسی بن جعفر یاد می‌کند. در ادامه بدون ذکر مستقلاً از نام پدر، مادرشان را با

صفت ام‌ولد، حمیده بربریه معرفی می‌کند. از همسر و فرزندان امام نیز یادی نمی‌کند.

د) شهادت امام

خواجه محمد با بیان این که امام کاظم ۷ در ۵۴ سالگی (۱۸۳ق) در زندان هارون وفات یافتند، تربت ایشان را در جانب غربی مدینه‌السلام (بغداد) به نام باب‌التین در مقبره معروف به مقابر قریش می‌داند. او ضمن اشاره به شهرت مقبره امام، بغداد را محل زندانی شدن امام معرفی می‌کند. اما جامی بر خلاف خواجه پارسا، به نحوه شهادت امام در بغداد در زندان هارون در سال ۱۸۶ و مسموم شدن توسط یحیی بن خالد برمکی به دستور خلیفه اشاره می‌نماید و در نهایت، پیش‌بینی امام در مورد نحوه و زمان شهادت خویش را بیان می‌کند.

ه) جایگاه امام نزد خلفا

خواجه محمد سخنی از مأمون به نقل از پدرش، هارون، آورده که در آن هارون، امام را به عنوان حجت و خلیفه خدا بر مردم، و خود را امام جماعت در ظاهر با غلبه و قهر می‌داند. هارون در ادامه، با اعتراف به شایستگی امام برای خلافت و جانشینی پیامبر ۹، ایشان را وارث علم انبیا معرفی و به فرزندش سفارش می‌کند علم درست نزد این امام است. مأمون نیز این سخنان را سبب ایجاد حب امام در دل خویش می‌داند؛ در حالی که جامی هیچ اشاره‌ای به جایگاه امام در نزد خلفا ندارد.

و) کرامات امام

خواجه محمد کرامتی از امام ذکر نمی‌کند و تنها به بیان ماجرای محبوس

شدن امام در زندان مهدی عباسی و خواب دیدن امام علی 7 را که سبب رهایی امام از زندان وی می‌شود، اکتفا می‌کند؛ در حالی که جامی، به ذکر هفت کرامت از ایشان می‌پردازد؛ البته در بیان ماجرای زندانی شدن امام در زندان مهدی با خواجه محمد مشترک است؛ اما در ادامه، هفت کرامات برای امام نوشته؛ از جمله: داستان شقیق بلخی که در راه سفر حج، کرامات عدیده‌ای از امام مشاهده کرده و آن‌ها را بازگفته است؛ جامه‌های فاخر که هارون به علی بن یقطین داد و او به امام هدیه کرد، ولی امام چون می‌دانستند که هارون به زودی وی را مؤاخذه خواهد کرد، آن جامه را به علی بن یقطین پس فرستادند تا هارون در مؤاخذه خود موفق نشود؛ دستبند زنی که به رودخانه افتاده بود و با کرامت امام بیرون آمد.

با بررسی‌های صورت‌گرفته در دو کتاب شواهد النبوه و فصل الخطاب، به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت زمانی دو نویسنده، سیر نگارش هر دو کتاب با عنوان‌هایشان همسو بوده؛ چنان که شواهد النبوه ترکیبی از دلائل النبوه‌ها و دلائل الامامه‌هاست؛ زیرا به ذکر کرامات امام کاظم 7 در کنار سایر ائمه می‌پردازد و فصل الخطاب به دنبال فیصله دادن به مسائل اصلی مورد اختلاف میان فرقه عامه از یک سو و عامه با خاصه از دیگر سو، با بهره‌گیری از معتبرترین اسناد و کتب تاریخی است. نویسنده به دنبال این هدف، در کنار مباحث مختلف در این زمینه، بخشی از کتاب را به شرح زندگانی ائمه از جمله امام کاظم 7 اختصاص داده است. وی در شرح حال زندگی ائمه، احوال شخصی امام کاظم 7 را در حجم اندکی در حد ذکر اخباری از امام و زندانی شدن امام توسط هارون بسنده کرده، در حالی که جامی حجم بیشتری اختصاص داده که ذکر کرامت‌هاست. البته دوره زمانی حاکم بر هریک نیز در این سیر نگارش بی‌تأثیر نبوده است.

نتیجه

شکل‌گیری ابتدایی جریان تصوف که تا نیمه دوم قرن سوم هجری ادامه یافت، بیش‌تر به اصل زهدگرایی و جدایی از دنیا توجه داشته است که این امر، کناره‌گیری از اجتماع را به دنبال داشت. اما صوفیان به تدریج، از این اصل جدا شدند و شکل خاصی به خود گرفتند که آن‌ها را به صورت دسته‌ای متمایز در اجتماع معرفی نمود. این تحول که دوره حیات اجتماعی جدیدی برای آنان بود، روی آوردن آن‌ها به تدوین کتب و شکل‌دادن منظم به اصول و قوانین تصوف را موجب گردید. این جریان، در دوره‌هایی به مذهب تشیع نزدیک شد. نماد این نزدیکی، مطرح شدن ائمه به عنوان اولیا و اقطاب صوفیان بود. این امر توجه دانشمندان شیعی را موجب گردید؛ زیرا زمینه جذب آنان به مذهب تشیع در این مسیر فراهم شد و این خود می‌توانست مبنای محور مهمی برای وحدت به شمار آید.

بررسی ۶۲ منبع متصوفه (از قرن چهارم تا پایان قرن نهم)، روشن ساخت که ائمه و از جمله امام کاظم ۷ به مرور حضور پررنگ‌تری در منابع تصوف یافته‌اند. در ابتدا نامی از ایشان در میان نبود، اما از منابع قرن هفتم، یاد از امام کاظم ۷ آغاز شد و در قرن هشتم و نهم گسترش یافت و گاه شرح حال امام به مانند یک منبع شیعی گزارش شد و امام به عنوان قطب صوفیان مطرح گردیدند. گذر زمان و تحولات جامعه و از جمله تقویت مذهب شیعه، در این مسیر نقش بسزایی ایفا کرد.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (م ۸۰۸ق)، دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، تحقیق خلیل شهاده، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
۲. الهامی، داوود، موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، قم: مکتب اسلام، ۱۳۷۸ش.
۳. بغدادی، اسماعیل باشا، هدیه العارفين فی أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، استانبول: مطبعة البهية، ۱۹۵۱م.
۴. پارسا، محمد، فصل الخطاب، تصحیح و تعلیقات جلیل مسگر نژاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵. پارسای بخارائی، خواجه محمد، قدسیه (کلمات بهاء الدین نقشبند)، تصحیح و تعلیق از احمد طاهری عراقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۵۴.
۶. جامی، عبدالرحمان (م ۸۹۸ق)، شواهد النبوه، مصحح حسن امین، تهران: میرکسری، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۷. _____، نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح و تعلیقات دکتر عابدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
۸. خواند میر، حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، کتاب فروشی خیام، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
۹. شوشتری، قاضی نورالله (۱۰۱۹ق)، مجالس المومنین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ش.
۱۰. کلاباذی، ابوبکر محمد، التعرف لمذهب التصوف، مکتبه الکلیات الازهریه، چاپ اول، ۱۳۸۹هـ-۱۹۶۹م.